

ارتباطات مشارکتی به مثابه یک راهبرد کلیدی در ایجاد رابطه شهروندی^۱

نویسندگان: فیلیپه اندرسون ریوس اینسیو^۲، انیدی رینوسا ناوارو^۳، ادیت گیسلا ریورا آرانو^۴ و لیندون ولا ملندز^۵
منبع :

Linguistics and Culture Review، ۵ (۵۱)، ۸۹۰ - ۹۰۰.

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی زیر:

<https://doi.org/10.37028/lingcure.v5n51.1473>

تاریخ انتشار: ۹ سپتامبر ۲۰۲۱

مترجم: حمیدرضا زرنکار

چکیده

این تحقیق با هدف تجزیه و تحلیل اهمیت ارتباط مشارکتی به عنوان راهبردی حیاتی در ساخت رابطه شهروندی از طریق بررسی جامع ادبیات تخصصی به عمل آمده و هدف آن به روز رسانی دانش مربوط به رابطه شهروندی و ساختار آن، ارتباطات مشارکتی و سهم آن در ساخت شهروندی و همچنین رویکردهای به روز ارتباط مشارکتی است. نتایج مطالعه در اساس از مجلات علمی نمایه شده در Scopus، Web of Science، Scielo، Redalyc و Dialnet استخراج شد. تمام اسنادها و مراجع کتابشناختی با استفاده از پایگاه مندی^۶ مدیریت شدند.

بر اساس نتایج اولیه دریافته شد که ارتباطات مشارکتی پیوستگی و انسجام جوامع محلی را بر اساس پروژه های مشترک، تصمیم گیری، مشارکت و کنش هایی که به شهروندان منفعت برساند، آسان می سازد. نتیجه این مطالعه آن است که رابطه شهروندی بر اساس شرایط شهروند پیوسته در حال تغییر است و همچنین لازم است که پیوند میان روابط شهروندی و مشارکت در پیگیری توسعه اجتماعی - فرهنگی بازسازی شود. به همین ترتیب نیز مشارکت اجتماع محلی باید مشروع، کل نگر و یکپارچه باشد. بر این اساس سهم ارتباطات در پویایی کنش گران اجتماعی

^۱ Participatory Communication as a Key Strategy in the Construction of Citizenship

^۲ Felipe Anderson Rios Incio

^۳ Enaidy Reynosa Navarro

^۴ Edith Gissela Rivera Arellano

^۵ Lindon Vela Meléndez

^۶ Mendeley

نهفته است؛ و در نهایت رویکردهای ارتباطات مشارکتی، رفتارهای اجتماعی تعیین کننده را برای دستیابی به توانمندسازی اجتماعی ا پویا می سازد.

کلید واژه ها: ایجاد رابطه شهروندی، شهروندی، ارتباطات، ارتباطات مشارکتی، ارتباطات اجتماعی.

مقدمه

وقوع ارتباط مستلزم مشارکت فعال آنان که موضوع ارتباط اند در فرآیند تعامل است که از حالت شخصی و فردی به صورت جمعی در می آید. سپس ارتباطات مشارکتی به ابزاری تبدیل می شود که پیوستگی و انسجام جوامع را بر اساس پروژه های مشترک و تصمیم گیری مشارکتی و اقداماتی که به نفع همه شهروندان باشد تسهیل می بخشد و در نتیجه به آنها در ساختن جامعه ای بهتر کمک می کند (Ponte, ۲۰۰۴). نیت اصلی ارتباطات مشارکتی، بسیج کنش گران اجتماعی علیه قدرت های مستقر است، این همه از پویایی گروه ها ناشی می شود (López Rojas ۲۰۱۲). سازمانی که هدف آن آموزش شهروندی باشد، با مقاصد بسیج گونه، مشارکت فعال کنش گران در اجتماع را به رسمیت می شناسد.

این اثر بر اساس تئوری ارتباط مشارکتی به نیاز به تولید دانش جدید که به بهبود روابط بین شهروندان کمک می کند، می پردازد. از این حیث، نظریه پردازان مختلف بر روی مطالعه ارتباط به عنوان یک فرآیند اساسی در ایجاد رابطه شهروندی در جوامع متمرکز شده اند (Coleman, & Borman, ۲۰۰۰; Yildirim, ۲۰۱۴).

بنابراین، یک سیر مفهومی در مورد مفاهیم چندگانه شهروندی صورت می گیرد، با درک این که این یک موضوع جدید نیست، بلکه یک مفهوم باستانی است که در زمان پیدایش شهر در یونان کلاسیک پدیدار شد. در آن زمان، شهروندان برای گفتگو و بحث درباره مسائل ارتباط اجتماعی - فرهنگی، به ویژه به دنبال خیر همشهریان و شهرشان گرد هم می آمدند (Quiroz Gómez, ۲۰۱۸). آن زمان در واقع مفهوم شهروندی رایج نبود. با این حال می بینیم که هدف آن به هیچ وجه تغییر نکرده است؛ امروزه آن چه با اقدامات خوب شهروندان دنبال می شود، منافع مشترک کنش گران اجتماعی در درون سیستمی است که در آن از بندگی و بردگی رها هستند. وقتی نشان داده شود که زندگی انسان بدون رابطه در جامعه امکان پذیر نیست و بدون ارتباط نمی تواند توسعه یابد و به همین معنا، دموکراسی فعلی بدون فرآیندهای شهروندی خلق نمی گردد؛ در آن صورت می توانیم طرح اولیه ای از رابطه بین مفاهیم ارتباطات و شهروندی ایجاد کنیم (Sánchez & Guido, ۲۰۱۵). این موضع، پیش از این، رابطه ای را بین ارتباطات و شهروندان بر اساس تأثیر آنها بر جامعه برقرار می کند، بدون آن که مفهوم شهروندی به تعلق و

مشارکت در یک دولت دموکراتیک اشاره داشته باشد (Ceballos, ۲۰۱۵). تعریف شهروندی نباید فقط به مشارکت سیاسی به ویژه در فرآیندهای انتخاباتی محدود شود؛ اما باید شهروندی را بیش تر جامع و کل نگر دانست تا چیز دیگری (Arce Ramírez, ۲۰۱۹).

ما توجه داریم که ارتباطات مشارکتی به عنوان عاملی مهم و حیاتی ظاهر می شود که در آن یکپارچگی کل نگر که جامعه به دنبال آن است وجود دارد. در نتیجه موارد فوق، سؤالات زیر مطرح می شود:

- ۱ - سهم ارتباطات مشارکتی به عنوان یک استراتژی حیاتی در ساخت شهروندی چیست؟
- ۲ - به همین ترتیب، مفهوم سازی بر اساس تعریف نظریه پردازان در مورد شهروندی و ایجاد آن چیست؟
- ۳ - رویکردهای ارتباطی مشارکتی چیست؟
- ۴ - ارتباطات مشارکتی در ساخت روابط شهروندی^۷ چگونه است؟ (Korkmaz & Arpacı, ۲۰۰۹; Mason, ۲۰۰۷).

در راستای یافتن پاسخ به سؤالات پژوهشی مطرح شده هدف کلی مقاله تحلیل سهم ارتباط مشارکتی به عنوان یک استراتژی حیاتی در ساخت رابطه شهروندی و به عنوان اهداف خاص؛ تعیین مفاهیم شهروندی و ایجاد آن، فهم ارتباطات مشارکتی و رویکردهای آن، و بحث از رابطه بین ارتباطات مشارکتی و ساخت شهروندی از مطالعه مفاهیم ارتباط، ارتباطات مشارکتی، رابطه شهروندی و ایجاد رابطه شهروندی است، با در نظر داشتن این که ارتباط در فرآیندهای توسعه جوامع محلی ضروری است، عمدتاً به دلیل آن که بنیادهای ایجاد روابط میان کنش گران اجتماعی را ایجاد می کند. به همین ترتیب، نقش ارتباطات مشارکتی به عنوان راهبردی حیاتی در ساخت روابط شهروندی توصیف می شود (Koroliova et al., ۲۰۲۱; Telep et al., ۲۰۲۱).

روش شناسی

این در راستای بررسی ادبیات موضوع، بر اساس جستجو و انتخاب داده ها در یک طرح اکتشافی تدوین شد. این روش زمانی به کار می رود که هدف، بررسی موضوعی باشد که در ادبیات علمی کم تر به آن پرداخته شده (Hernández Sampieri et al., ۲۰۱۴). این متد برای ورود به جزئیات دانش موجود در باب یک مفهوم، موضوع یا

^۷ Construction of Citizenship

مشکل خاص به ویژه برای زمینه‌سازی تحقیق اجرا می‌شود و به تصمیم‌گیری کمک میکند (Jiménez & Aldana, ۲۰۲۰). به این ترتیب، ما با یک نظام‌مندسازی اطلاعات بیان شده از طریق بازیابی، تجزیه و تحلیل، انتخاب و ارتباط منظم و منسجم اطلاعات، دانش و به طور کلی محتوای آموزشی ناشی از تولید علمی از ابتدا تا زمان انجام پژوهش روبرو هستیم (Lemus et al., ۲۰۱۶). این فرآیندهای بررسی به دست آوردن اطلاعات به روز، نظام‌مند کردن و ساختاربندی آن برای ارائه مرتبط‌ترین دانش یافت شده به جامعه علمی را امکان‌پذیر می‌سازد (Gómez-Luna et al., ۲۰۱۴; Ponte, ۲۰۰۴).

اطلاعاتی که از تحقیقات فعلی پشتیبانی می‌کند به طور اساسی از مجلات علمی نمایه شده در منابع زیر و منابع مشابه استخراج شد:

Scopus, Web of Science, Scielo, Redalyc, Dialnet.

استراتژی جستجو بر روی کلمات کلیدی متمرکز شد. همه نقل‌قول‌ها و مراجع از طریق برنامه وب‌مندلی مدیریت شدند که امکان ذخیره فایل‌ها از هارد دیسک رایانه و وب را به طور همزمان فراهم می‌کند و به سازماندهی داده‌های اولیه منابع یافت شده در جستجوی اطلاعات کمک می‌کند (Rojas Crotte, ۲۰۱۱). نظام‌مندسازی دانش موجود در این زمینه نیز از طریق تکنیک نشانه‌ها در ارتباط با روش تحقیق و نمایه تحقیق به شکل کلی انجام شد.

نتایج و بحث

(۱) **مفهوم شهروندی و ایجاد آن:** مفهوم شهروندی در *یونان کلاسیک* آغاز می‌شود (Quiroz Gómez, ۲۰۱۸)؛ زمینه‌ای که در آن دستگاه اجتماعی با جامعه در یک دولت دموکراتیک مرتبط است. به واسطه رابطه شهروندی، برخی پیوندهای اجتماعی، سیاسی و حقوقی به دور از اختلافات طبقاتی ایجاد می‌شوند. این پیوندها در قالب تعهدات و حقوق تجلی یافته و بعدها به قوانینی برای جامعه تبدیل می‌شوند.

نمی‌توان بدون اشاره به جامعه‌شناس بریتانیایی *توماس اچ مارشال*^۸ از شهروندی صحبت کرد. وی بین سه نوع شهروندی تمایز قائل می‌شود: مدنی، سیاسی و اجتماعی. او به واسطه فرض خود، مراحل را که در توسعه اروپای مدرن می‌یابیم با حقوقی که افراد را با جامعه و دولت پیوند می‌دهد، مرتبط می‌کند (Marshall, ۱۹۵۰). با این حال، به تعریفی که *مارشال* برای بریتانیا و دیگر مخاطبان بسیار خود از *اروپای غربی* و *آمریکای شمالی* توضیح داد، انتقاد وارد است.

^۸ Thomas H. Marshall

شهروندی به عنوان منظور کردن، از میان بردن و کاهش نابرابری‌ها تعریف می‌شود (Andrenacci, ۲۰۱۹)، مفهوم شهروندی ارتباط تنگاتنگی با آزادی و سایر ارزش‌های دیگری دارد که به دنبال خیر و صلاح جامعه هستند. شهروند کسی است که نگرش‌ها و رفتارهایش در شکل آزادی، برابری، احترام، گفتگو، مشارکت و همچنین اجرای تعهدات اجتماعی و خانوادگی و خود - فهمی اصلاح می‌گردند و به دیگران و به مراقبت پایدار محیط پیرامون کمک می‌کند (Lizcano Fernández, ۲۰۱۲).

امروزه ابعاد مفهومی مقدماتی و اولیه که بر اساس آن‌ها رابطه شهروندی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و مدنی پشتیبانی می‌شود، تا تحلیل‌های اجتماعی - فرهنگی گسترش می‌یابند.

ما چنین ادراک می‌کنیم که شهروند به عنوان یک کنش‌گر اجتماعی قادر به اجرای مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌هایی در طول زندگی خود است که بدون شک از تعریف کلاسیک مارشال فراتر می‌رود. مفهوم رابطه شهروندی بر اساس آن‌چه که امروز توسط شهروند درک می‌شود، تغییر کرده است؛ این مفهوم از یک موضوع با حقوق و مسئولیت به موضوعی پر از فضایل مدنی تبدیل شد که دیگر خصوصی نیست و عمومیت می‌یابد. بنابراین، مفهوم شهروندی فضای کلی شهر را تشکیل می‌دهد؛ یعنی جایی که تنوع کنش‌گران به هم نزدیک گردیده و به علایق عمومی و مشترک جامعه تبدیل می‌شود (Mora Velázquez, ۲۰۰۹).

پژوهشگران استدلال می‌کنند ضرورت دارد که از مسئولیت مضاعف شهروند سخن گفته شود. در وهله اول تصور کردن او به عنوان فاعلی که حقوق و مسئولیت‌هایی دارد. این البته بسیار شبیه به دریافت اولیه از رابطه شهروندی است که به طور عمیقی فردی است. در ثانی برای کنش‌گری به عنوان یک شهروند در سطح جمعی به تصور جاری ما از رابطه شهروندی بسیار شبیه است (Estupiñán Villanueva et al., ۲۰۱۶).

بر این اساس یک شهروند خوب تشخیص می‌دهد که دیگران دارای مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش، استعدادها و نگرش‌های توسعه‌اند که به نفع مشارکت آنان و همکاری در ایجاد رابطه شهروندی است (Mockus, ۲۰۰۴).

به طور منطقی مفهوم شهروندی تکامل یافته است. در ابتدا فقط بر اساس اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی به مردم بود. در حالی که اکنون به سایر مسائل عمومی دلالت دارد که در درجه اول مربوط به خیر جمعی و مشترک شهروندان است (Díaz - Perdomo & Rojas - Suárez, ۲۰۱۷). در جوامع امروزی شیوه‌های جدیدی از مفهوم‌سازی شهروندی در حال ظهور است. این تغییرات مفهومی پیش‌تر، از آغاز این قرن با قدرت بیش‌تری مورد توجه قرار گرفته بود؛ با مفاهیمی همچون شهروند جهان‌شهری، شهروندی مسئول، شهروند انتقادی، شهروند فعال، شهروند جهانی، شهروند اجتماعی با اجزای بین فرهنگی آن (Rodríguez, ۲۰۰۲)، و با داشتن نقشی بر رنگ‌تر. در

نتیجه، شهروند دیگر فاعلی نیست که فقط در فرآیندهای انتخاباتی رای بدهد و یا در نظر سنجی‌ها نظر خود را اعلام کند. او تبدیل به یک کنش‌گر اجتماعی شده است که نظرات، نیازها و احساسات خود را فاش می‌کند و منتظر پاسخ مقاماتی است که عهد بسته‌اند به این نظرات عمل نمایند (Urbina, ۲۰۲۰).

شهروندی یک عنصر اساسی و جاری در مردم‌سالاری‌های غربی است که به جوامع اجازه می‌دهد در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود را پیش‌تاز بدانند. شهروندی تنها به حوزه سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه تا حوزه‌های مختلف زندگی که موضوعات در آن رشد می‌کنند، دامن می‌گستراند و برای همه این‌ها، ارتباط نقش اساسی دارد (Sánchez Castiblanco, ۲۰۱۷). جوهر شهروندی از جنبه واقعیت کنش‌گر اجتماعی تفسیر می‌شود؛ نه آن که این نقش آن چنان باشد که منجر به ایجاد فضایی گردد که عده‌ای نسبت به دیگران احساس برتری نمایند. زیرا همگی دارای حقوقی یکسان و در برابر قانون قرار دارند. این نیاز در شرایطی که شکاف‌ها و نابرابری‌های اجتماعی، توسعه هماهنگ اجتماعی و فرهنگی افراد را محدود می‌کند، در جوامع کنونی به طور معمول بازتاب داده نمی‌شوند (Weaver et al., ۲۰۱۹; Lim, ۲۰۰۸).

برای محدود کردن این شکاف‌ها در یک چارچوب قانونی، باید این موضوع را به رسمیت شناخت که شهروندی نهادی است که همواره در یک بازتعریف، آموزش و آگاهی اجتماعی قرار دارد و شهروند در درون آن یک قهرمان فعال و دائمی است. همسوی با این اندیشه، ویژگی‌های اساسی که شهروندان ایده آل را تعریف می‌کند، می‌تواند این گونه باشد: صداقتی که در جامعه از خود نشان می‌دهند، به رسمیت شناختن مجموعه‌ای از حقوق توسط دولت در نتیجه عضویتشان در جامعه، و در اساس شهروند آرمانی که به وظیفه مدنی خود عمل کرده و ارتباط نزدیک با مردمان مشارکت‌گر در اموری که مربوط به آن‌ها است را حفظ می‌کند (Benedict, ۲۰۱۶). شهروندی چیزی نیست که با مردمان زاده شود؛ فرآیندی است که ایجاد می‌شود (Vergara & Villamizar, ۲۰۱۹).

این منطبق که شهروند متولد نمی‌شویم با به دست آوردن شهروندی در فضای تعامل اجتماعی - فرهنگی که مسئولیت اجتماعی و تعهد اخلاقی را می‌طلبد، مطابقت دارد. بنابراین، نهادهایی مانند خانواده، جامعه، مدرسه، رسانه‌ها و نظایر آن‌ها در این فرآیند عناصری تعیین‌کننده‌اند؛ (Díaz Gómez & González Rey, ۲۰۰۵) و (Portillo, ۲۰۱۵).

با این حال، در اینجا صحبت از ایجاد رابطه شهروندی در حوزه‌های گوناگون برای اجماعی عمومی در باب اصطلاحی است که در طول زمان تکامل یافته است؛ اگرچه راه‌های متعدد درک شهروندی از سایر اشکال تفکر در مورد شهروندان هنوز پنهان است (Landau, ۲۰۱۲). از این رو، باید این آگاهی را افزایش داد، زیرا شهروندی از تحقق شرایط سیاسی و تاریخی، در جامعه‌ای در حال تحولات دائمی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (که بحث در مورد مفاهیم محوری را بر می‌انگیزد) ایجاد می‌شود (Díaz, ۲۰۱۱)؛ آن‌ها هم از یک تصور جامع که مفهوم

رابطه شهروندی را به مثابه یک فرآیند انتقالی به سمت شیوه ای از یک حیات عرضه می‌دارد؛ شیوه ای از حیات که تمامی عوامل اجتماعی، اجتماعی - عاطفی، فرهنگی، مشارکتی و تربیتی در آن دخالت دارند.

برای ساختن عملی رابطه شهروندی، ضروری است که از بهبود آموزش‌های ارائه شده به بخش کودک شروع کرد تا کودکان نسبت به حقوق، تعهدات و تمام فرهنگ سیاسی و قانونی که به طور فعال رابطه شهروندی را اعمال می‌کند، بسیار آگاه شوند (Graziella Reyes & Rivera Pagola, ۲۰۱۸).

با این حال، آموزش شهروندی نه فقط باید در آموزش دوره ابتدایی انجام شود، باید به مرحله تحصیلات دانشگاهی نیز برسد؛ یعنی جایی که باید مجموعه‌ای از فرآیندهای آموزشی، مرتبط با مشارکت مردم سالارانه، تقویت تنوع، ارزش‌ها و احترام به حقوق بشر ادغام شوند. همه این‌ها به خاطر جوانان، تجارب شهروندی و مدنی را در فضاهای زندگی روزمره خود می‌سازند (Valverde & Vargas, ۲۰۱۵; Delanty, ۲۰۰۳; Yates, ۲۰۱۵).

به طور خلاصه، ساخته شدن رابطه شهروندی به معنای تضمین سطوح بیش‌تر و بهتر برابری در کشور است و شهروندانی که به آن‌ها امکان دسترسی و مشارکت بیش‌تر داده می‌شود.

ترویج آزادی مشارکت در فعالیت‌های مدنی، آن‌چنان است که در آن شهروند همانند یک کنش‌گر اجتماعی نشان می‌دهد و احساس می‌کند که دارای بعد اخلاقی است؛ با در نظر گرفتن این که ایجاد رابطه شهروندی صرفاً مبتنی بر یادگیری هنجارهای قانونی، حقوقی و سیاسی یا دسترسی به آموزش نیست؛ این همزیستی موثر است که رابطه شهروندی را بازتاب می‌دهد (Giraldo-Zuluaga, ۲۰۱۵) و در ارتباط است که فرآیندهای حضور همه کنش‌گران در فضای اجتماعی - فرهنگی منعکس می‌شود.

۲) ارتباطات مشارکتی، کمک به ایجاد روابط شهروندی: ایجاد رابطه شهروندی در ساختار جامعه ای که اعضای آن فعال‌اند، تبلور می‌یابد؛ بدون آن که مسئولیت‌ها را فقط به رهبران خود واگذار کنند. بازیابی رابطه بین شهروندی و مشارکت ضروری است (Landau, ۲۰۱۲).

یک مطالعه مشورتی تأیید می‌کند که مشارکت شهروندان در عمل وجود ندارد، با این استدلال که تنها گروه کوچکی از مردم کنترل اقتصادی و ایدئولوژیک کشورها را در اختیار دارند (Vélez Medina, ۲۰۱۶). منطق این ادعا در این واقعیت نهفته است که اگرچه به طور مثال در آمریکای لاتین، جوامعی که خود را دموکراتیک می‌نامند، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. با این حال، آن‌ها فضاهای مناسبی را برای ارتباط با شهروندان فراهم نمی‌کنند و بنابراین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری برای خیر عمومی؛ همچنین فضاهای ارتباط و مشارکت، محدود به فعالیت‌های دوره‌ای مانند رای‌گیری است. در شرایطی شهروندی نمادی از ساختن اجتماعی است که از تجلیات،

آداب و رسوم و عادات روزمره مختلفی تغذیه می کند که خود در واقع در مجموع به جامعه نیرو و مشروعیت می بخشد (Vergara & Villamizar, ۲۰۱۹).

بر اساس مباحث قبلی رابطه شهروندی به واسطه یک یکپارچگی اجتماعی که به جوامع هویت داده و آن‌ها را توانمند می سازد و در مردم سالاری ها اساسی است؛ پیکربندی می گردد. در اینجا است که ارتباط به عنوان فرآیندی در جستجوی تعامل در تمام تجلیات زندگی ارزش می یابد و به عنوان ابزاری برای بیان شهروندی، گفتگو، رهبری و توانمندسازی اجتماعی نقش آفرینی می کند. رابطه ارتباط-شهروندی به این دلیل به وجود می آید که ارتباط به عنوان پایه اساسی شهروندی شناخته می شود و به ارزش ها، علایق، نیازها و پیشنهادها جامعه وزن و اعتبار می بخشد.

ارتباطات مشارکتی شامل استفاده از ابزارهای ارتباطی از طریق مشارکت فعال شهروندان، مقامات، سازمان های نظریه پرداز و فنی و ... است که می تواند پویایی توسعه محلی را تسهیل و پشتیبانی کند؛ با توجه به این که کل این فرآیند مشارکتی از درک این موضوع آغاز می شود که نگرش های مدنی و تمایل مردم به مشارکت به خودی خود به وجود نمی آید. آن ها در طول زندگی ساخته می شوند (Hatzfeld, ۲۰۰۷).

در مجموع مشارکت به درک گسترده ای از وجود نابرابری کنش گران اجتماعی و روابط آن ها در خلال فرآیندهای ارتباطی می انجامد؛ به ایجاد روابط افقی در میان مردم کمک می کند و راه کارهایی را برای همکاری به همگان بر اساس تجارب و دانش افراد به دست می دهد.

به طور خلاصه، ارتباط، توسعه را با گشودگی نسبت به فرآیند سراسری پیام رسانی برای تعاملات انسانی مفهوم سازی می کند (Elgueta, ۲۰۰۶). از این روی، ارتباطات مشارکتی سازمان و اعضای اجتماع را که استراتژی ها و برنامه های ارتباطی را طراحی می کنند، در بر می گیرد (González & López, ۲۰۱۹).

۳) رویکردهای ارتباطی مشارکتی: برای پرداختن به مفاهیم گسترده ارتباط یا ارتباط مشارکتی تفاوت هایی نظری وجود دارد. در آمریکای لاتین، تصور در مورد این اصطلاحات و عملکرد آن در بیش از نیم قرن همواره در حال شکل گرفتن بوده است، یعنی از زمانی که ایالات متحده آمریکا اولین برنامه های توسعه مبتنی بر استراتژی های ارتباطی را به کار بست (Carretero, ۲۰۱۹). در ابتدا این ها راهبردهایی کاملاً تبلیغاتی بودند. اما بر اساس کارهای مشترک نویسندگان برجسته در این زمینه، چنین توسعه ای از دیدگاه مشارکتی جعلی است.

(Kaplún, ۲۰۱۰; Bordenave, ۲۰۱۶; Freire, ۱۹۶۸; Beltrán, ۱۹۷۹)

اکنون دو رویکرد نسبت به ارتباطات مشارکتی وجود دارد. اولی متعلق به فریره^۹ و دومی از آن مباحثات یونسکو در دهه هفتاد میلادی است (Servaes & Malikhao, ۲۰۰۵). به همین ترتیب، می توان دریافت که رویکردهای خاصی با ارتباطات مشارکتی مرتبط هستند. این رویکردها ارتباطات مشارکتی را از تکامل و تطور تاریخی آن می سازند. بنابراین این رویکردها از دیدگاه نظریه پردازان بزرگ ارتباطات آمریکای لاتین مورد مطالعه قرار گرفته اند. از میان برجسته ترین رویکردها، با عناوینی چون ارتباطات برای توسعه^{۱۰}، ارتباطات جایگزین^{۱۱}، ارتباطات رایج^{۱۲}، ارتباطات برای تغییر اجتماعی^{۱۳} و ارتباطات جامعه محلی^{۱۴} مواجه ایم (López Rojas, ۲۰۱۲). لازم است که تجارب ارتباطی شهروندان در آمریکای لاتین در باب میزان اهمیت ارتباطات در جستجوی توانمندسازی مدنی نشان داده شود (Cerbino & Belotti, ۲۰۱۶).

ارتباطات مشارکتی اساس توسعه، تغییرات اجتماعی و صلح است. بدون مشارکت، تغییر فرهنگی-اجتماعی واقعی امکان پذیر نیست (Sánchez Castiblanco, ۲۰۱۷)، و این بدون تردید یک عامل کلیدی برای ایجاد رابطه شهروندی است؛ زیرا ارتباطات مشارکتی مبتنی بر مباحث ساختاری است: الگوی مردم سالاری که ما اکنون می شناسیم و تنوع تجربیات. بدین طریق مفهوم مشارکت در زمینه توسعه از ناحیه یک الگوی الهام بخش که دربرگیرنده مسئله قدرت، بازسازی ظرفیت های خود-سازماندهی و پویایی فرهنگی است انعکاس می یابد؛ آن چنان که از اثر موسوم به ارتباطات در آمریکای لاتین^{۱۵} بر می آید ارتباطات و شهروندی از سه جنبه بررسی می گردد: در شهر، در رسانه ها و رابطه مردم سالاری با سیاست. اینجاست که مطالعات مرتبط در زمینه ارتباطات و شهروندی علاقه بیش تری به رابطه با مردم سالاری و سیاست نشان می دهند و با آن دو ارتباط مستقیم پیدا می کنند (Larsen & Gunnarsson-Östling, ۲۰۰۹; Johnson, ۲۰۰۷).

سهم قابل توجهی از ارتباطات مشارکتی بر تحریک رفتارهای اجتماعی متمرکز است؛ به طوری که مشارکت کنش گران آن در فضایی طبیعی و فعال از راه های متنوع ممکن به حداکثر برسد. چنین تنوعی به جای در اولویت قرار دادن تعداد مشارکت کنندگان، مجموعه ای از دیدگاه ها و پیشنهادها را در اولویت قرار می دهد. (Allegretti et al., ۲۰۱۱).

۹ Freire

۱۰ Communication for Development

۱۱ Alternative Communication

۱۲ Popular Communication

۱۳ Communication for Social Change

۱۴ Community Communication

۱۵ Communication in Latin America

در نهایت، از دیدگاه هابرماس^{۱۶} در مورد رابطه شهروندی، صرفنظر از مفهوم سیاسی که به دولت تعلق دارد، شهروندان دارای حقوق و تکالیفی اند. رابطه شهروندی فرآیندی فعال است که عمدتاً با مشارکت و ارتباط مشخص می شود؛ یعنی نقطه‌ای که فضاهایی برای گفتگو به عنوان اساس ایجاد رابطه شهروندی یافت می شود (Habermas, ۱۹۹۸). این رویکرد پیشنهادی از ناحیه ارتباطات مشارکتی به عنوان یک عامل حیاتی در ایجاد رابطه شهروندی قابل توجه است. از دیگر سوی، در این الگوی از مشارکت، گفتمان‌ها در شبکه‌های در هم تنیده‌ای که می‌خواهند به مثابه چارچوب‌های شهروندی پیکربندی شوند انتقال می‌یابند. در همان حال ارتباط توأم با مشارکت، بعد اجتماعی و سیاسی به خود می‌گیرد که کنش‌گران را اجتماعی و ملزم به انجام وظیفه‌ای می‌کند. اما مهم‌تر از همه حق مشارکت، گفتگو در جامعه خود و غلبه بر نگرش دریافت صرف پیام‌هایی است که توسط نگرش‌های مستبدانه و عمودی محافظت می‌شوند که خود رابطه شهروندی را تهدید می‌نمایند (Chan & Lai, ۲۰۱۵).

نتیجه‌گیری

شهروندی به طور مداوم بسته به این که شهروند چگونه در جامعه رشد می‌کند و چگونه یاد می‌گیرد که در آن زندگی کند، موضوعی است که در طول حیات در حال تحول است. به همین دلیل، نهادهای اجتماعی در فرآیند جستجوی خیر عمومی اساسی هستند.

به همین ترتیب ضروری است که مشارکت شهروندی بهبود یابد، زیرا ایجاد رابطه شهروندی در مشارکت فعال شهروندان در جستجوی توسعه جوامع محلی خود تبلور می‌یابد که در آن ارتباط به عنوان یک اصل بنیادی به رسمیت شناخته می‌شود.

مشارکت باید طبیعی، کل‌نگر و فراگیر باشد و در فضاهای مختلف که شهروندان در آن توسعه یابند، نقش اول را داشته باشد و جوامع را با توسل به یکپارچگی اجتماعی توانمند سازد.

بنابراین نقش ارتباطات مشارکتی به عنوان یک راهبرد حیاتی برای ایجاد رابطه شهروندی مستلزم پویا نمودن کنش‌گران اجتماعی در اجتماع‌های محلی است.

^{۱۶} Habermas

در نهایت، رویکردهای ارتباطات مشارکتی، پویایی رفتارهای اجتماعی را بر اساس توانمندسازی اجتماعی - که در آن شهروندان از دریافت کنندگان ساده پیام ها به تولید کنندگان فضاهاى گفتگو تبدیل شوند - امکان پذیر می نماید.

منابع

- ۱-Allegretti, G., Garcia Leiva, P., & Paño Yáñez, P. (۲۰۱۱).
Traveling through participatory budgets: good practices, obstacles and lessons learned (pp. ۱-۱۳۹).
- ۲-CEDMA.Andrenacci, LE (۲۰۱۹).An essay on the history of citizenship in Latin America from a long-term perspective.Cadernos [EBAPE.BR](#), ۱۷, ۷۰۳-۷۱۶.
- ۳-Arce Ramírez, H. (۲۰۱۹).Citizenship competencies: a conceptual reconstruction within the framework of the Costa Rican Civic Education.Research News in Education, ۱۹(۲), ۲۶۸-۲۹۰.
- ۴-Beltrán S, L. R. (۱۹۷۹). Farewell to Aristotle: horizontal communication.
- ۵-Benedict, J. (۲۰۱۶).Youth citizenship: An approach based on the life experiences of young people.Latin American Journal of Social Sciences, Children and Youth, ۱۴(۲), ۹۲۵-۹۳۸.
- ۶-Bordenave, JD (۲۰۱۶).The development of a communicator for development.Latin American Journal of Communication Sciences, ۱۲(۲۳).
- ۷-Carretero, AB (۲۰۱۹).What do we mean when we talk about communication, citizenship and social change?In Communication and social change(pp. ۱۷-۲۲).
- ۸-Tirant Humanities.Ceballos, M. (۲۰۱۵).Citizenship or social assistance?the public policy project the experience of female beneficiaries of social assistance in Chile.Caderno CRH, ۲۸(۷۳), ۱۶۵-۱۸۰.
- ۹-Cerbino, M., & Belotti, F. (۲۰۱۶).Community Media as an Exercise of Communicative Citizenship: Experiences from Argentina and Ecuador = ۴۹-۵۶.
- ۱۰-Chan, S. H. J., & Lai, H. Y. I. (۲۰۱۷). Understanding the link between communication satisfaction, perceived justice and organizational citizenship behavior.Journal of business research, ۷۰, ۲۱۴-۲۲۳.
<https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2016.08.017>
- ۱۱-Coleman, V. I., & Borman, W. C. (۲۰۰۰). Investigating the underlying structure of the citizenship performance domain.Human resource management review, ۱۰(۱), ۲۵-۴۴.

[https://doi.org/10.1016/S1053-4822\(99\)0037-6](https://doi.org/10.1016/S1053-4822(99)0037-6)

12-Delanty, G. (2003). Citizenship as a learning process: Disciplinary citizenship versus cultural citizenship. *Int. of Lifelong Education*, 22(6), 597-600.

13-Díaz Gómez, Á., & González Rey, F. (2000). Subjectivity: an historic and cultural perspective: Conversation with the Cuban Psychologist Fernando González Rey. *Universitas Psychologica*, 4(3), 373-383.

14-Díaz, B. (2011). Conditions for the construction of citizenship. *Orbis: Journal of Human Sciences*, 9(19), 198-209.

15-Díaz-Perdomo, ML, & Rojas-Suárez, ND (2017). Citizenship, a possible life in society. *Aletheia. Journal of Contemporary Human, Educational and Social Development*, 9(2), 114-137.

16-Elgueta, J. (2006). Participation and communication in a rural territorial ordering. *Guides of concepts, methods and tools for an OTR.FAO*. Available [www.infoandina.org / sites / Defoult / files / resources / guide-land use planning.pdf / 17703/2013](http://www.infoandina.org/sites/Default/files/resources/guide-land%20use%20planning.pdf), 13.

17-Estupiñán Villanueva, A., Molina Carmona, E., Flores Guevara, S., & Martínez Bermeo, J. R. (2016). The Digital Participation in the construction of the e-democracy and digital citizenship. *RIDE. Revista Iberoamericana para la Investigación y el Desarrollo Educativo*, 9(13), 126-146.

18-Freire, P. (1968). *Pedagogy of the oppressed*.

19-Giraldo-Zuluaga, GA (2010). Citizenship: learning a way of life. *Education and Educators*, 18(1), 76-92.

20-Gómez-Luna, E., Fernando-Navas, D., Aponte-Mayor, G., & Betancourt-Buitrago, L. A. (2014). Literature review methodology for scientific and information management, through its structuring and systematization. *Dyna*, 81 (184), 108-113.

21-González, E. S., & López, M. G. (2019). Institutional communication at Spanish public universities from the approach of participatory communication. *education policy analysis archives*, 27, 44.

22-Graziella Reyes, O., & Rivera Pagóla, J. R. (2018). Construction of citizenship: Childhood education towards social inclusión. *Tlamelaua*, 12(44), 52-71.

23-Habermas, J. (1998). *Facticity and validity*, trad. Manuel Jiménez Redondo, Madrid, Trotta, Hatzfeld, H. (2007). *From self-management to participatory democracy: Bifurcations and reformulations*. *Archipelago: Notebooks of criticism of culture*, (77), 172-179.

25-Hawthorne, T. L., Elmore, V., Strong, A., Bennett-Martin, P., Finnie, J., Parkman, J., ... & Reed, J. (2010). Mapping non-native invasive species and accessibility in an urban forest: A case study of participatory mapping and citizen science in Atlanta, Georgia. *Applied Geography*, 30, 187-198.
<https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2010.05.005>

26-Hernández-Sampieri, R., Fernández-Collado, C., & Baptista-Lucio, MDP (2012). *Research methodology (Sixth)*. Mexico: McGrawHill.

27-JIMÉNEZ, Á.M., & ALDANA, E. (2020). Exploratory systematic review: a perspective of distance Higher Education from historical research. *Espacios Magazine*, 41(04).

28-Johnson, D. (2007). Building citizenship in fragmented societies: The challenges of deracialising and integrating schools in post-Apartheid South Africa. *International Journal of Educational Development*, 27(3), 306-317.
<https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2006.10.012>

29-Kaplún, M. (2010). *A pedagogy of communication (Vol. 1)*. Editions of the Tower.

30-Korkmaz, T., & Arpacı, E. (2009). Relationship of organizational citizenship behavior with emotional intelligence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 1(1), 2432-2435.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2009.01.428>

31-Koroliova, V., Grechenko, V., Kovalchuk, M., Samoilenko, V., Shevchenko, T., & Zaitseva, V. (2021). Information and communication activity of students when writing a course work on linguistics. *Linguistics and Culture Review*, 0(1), 110-128.

32-Landau, M. (2012). What does it mean to build citizenship?: Historical processes and normative ideals. *E: Journal of University Extension*, 6(2), 6-13.

33-Larsen, K., & Gunnarsson-Östling, U. (2009). Climate change scenarios and citizen-participation: Mitigation and adaptation perspectives in constructing sustainable futures. *Habitat International*, 33(3), 260-266.
<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2008.10.004>

34-Lemus, LP, Alvarez, MK, & Torres, MM (2016). Systematization of the contributions of the Enrique José Varona University of Pedagogical Sciences to the educational work of the Cuban Revolution. *VARONA*, 1, (62)-12.

35-Lim, C. P. (2008). Global citizenship education, school curriculum and games: Learning Mathematics, English and Science as a global citizen. *Computers & Education*, 51(3), 1073-1093.
<https://doi.org/10.1016/j.compedu.2007.10.005>

36-Lizcano Fernández, F. (2012). *Concepts of citizen, citizenship and civics*. Polis.

Latin American Magazine , (32).López Rojas, J. H. (2012). A brief tour of the Participatory Communication Research in Latin America.

-Marshall, T. H. (1900).Citizenship and social class(Vol. 11, pp. 28-29). New York, NY: Cambridge.

36-Mason, R. (2007, July). Building women's social citizenship: A five-point framework to conceptualise the work of women-specific services in rural Australia. In women's Studies International Forum (Vol. 30, No. 4, pp. 299-312). Pergamon.

<https://doi.org/10.1016/j.wsif.2007.06.007>

37-Mockus, A. (2008).Why citizen competencies in Colombia.To the board,27,13-18.

38-Mora Velazquez, S. (2009).Reflections on the citizen in the public space: a critique of representation.CONVERGENCIA-JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES,16 (49), 331-340.

39-Ponte, VMD (2008).Citizenship and Political Culture: Mexico, 1993-2001,XXI.

40-Portillo, M. (2010).Construction of citizenship from the story of young participants of # YoSoy132: biography, generation and political participation.Global Media Journal,12 (23),1-18.

41-Quiroz Gómez, J. G. (2018). Citizenship and Equality for the Construction of Democracy . Política y Poder, XIII(20), 147-176.

42-Rodríguez, FAC (2002).Towards a new conception of citizenship in a multicultural society.In Identity and citizenship: a challenge to intercultural education (pp.79-108).

43-Narcea.Rojas Crotte, IR(2011).Types Of Techniques: Elements For The Design Of Research Techniques.Mexico: Autonomous University of the State of Mexico.

44-Sánchez Castiblanco, JR (2017).Participatory communication as a tool for generating active citizenship in childhood.

45-Sánchez, JAG, & Guido, LLC (2010).Communication, democracy and Media consumption: the awakening of youth audiences.Latin American Journal of Communication, (128), 203-267.

46-Servaes, J., & Malikhao, P. (2000). Participatory communication: The new paradigm.Media & global change. Rethinking communication for development,91-103.

47-Telep, O. A., Balashenko, I. V., Fedaka, P. P., Ukhach, L. I., & Sivak, Y. M. (2021). Development and transformation of the communicative element of socio-cultural activities. Linguistics and Culture Review, 9(S2), 708-721.

ξλ- Urbina, FC. (2020). The definition of the communication and democratization of neoliberal societies in transformation. In *Law and Politics: Civilization and the Crisis of Liberal Democracy in Transformation* (1st ed., Pp. 132-139). National Office of Electoral Processes.

ξ9-Valverde, AA, & Vargas, MB (2010). The pedagogical workshop, a didactic tool to address issues related to Citizen Education. *Perspectives*, (10), 81-116.

ο0-Vélez Medina, B. (2016). The formation of citizens: utopias and realities.

ο1-Vergara, C. A. G., & Villamizar, N. M. R. (2019). Social constructions around citizens: a view of its concept and practice. *Investigación y Desarrollo*, 27(1), 197-233.

ο2-Weaver, M. J. T., O'Keeffe, J., Hamer, N., & Palmer, C. G. (2019). A civil society organisation response to water service delivery issues in South Africa drives transformative praxis. Part 3: Knowledge building, learning and active citizenship. *Geoforum*. 107, 114-23.

<https://doi.org/10.1016/j.geoforum>

ο3-Yates, L. (2010). Everyday politics, social practices and movement networks: daily life in Barcelona's social centres. *The British journal of sociology*, 66 (2), 236-208.

ο4-Yildirim, O. (2018). The impact of organizational communication on organizational citizenship behavior: research findings. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 100, 1090-1100. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2018.09.124>